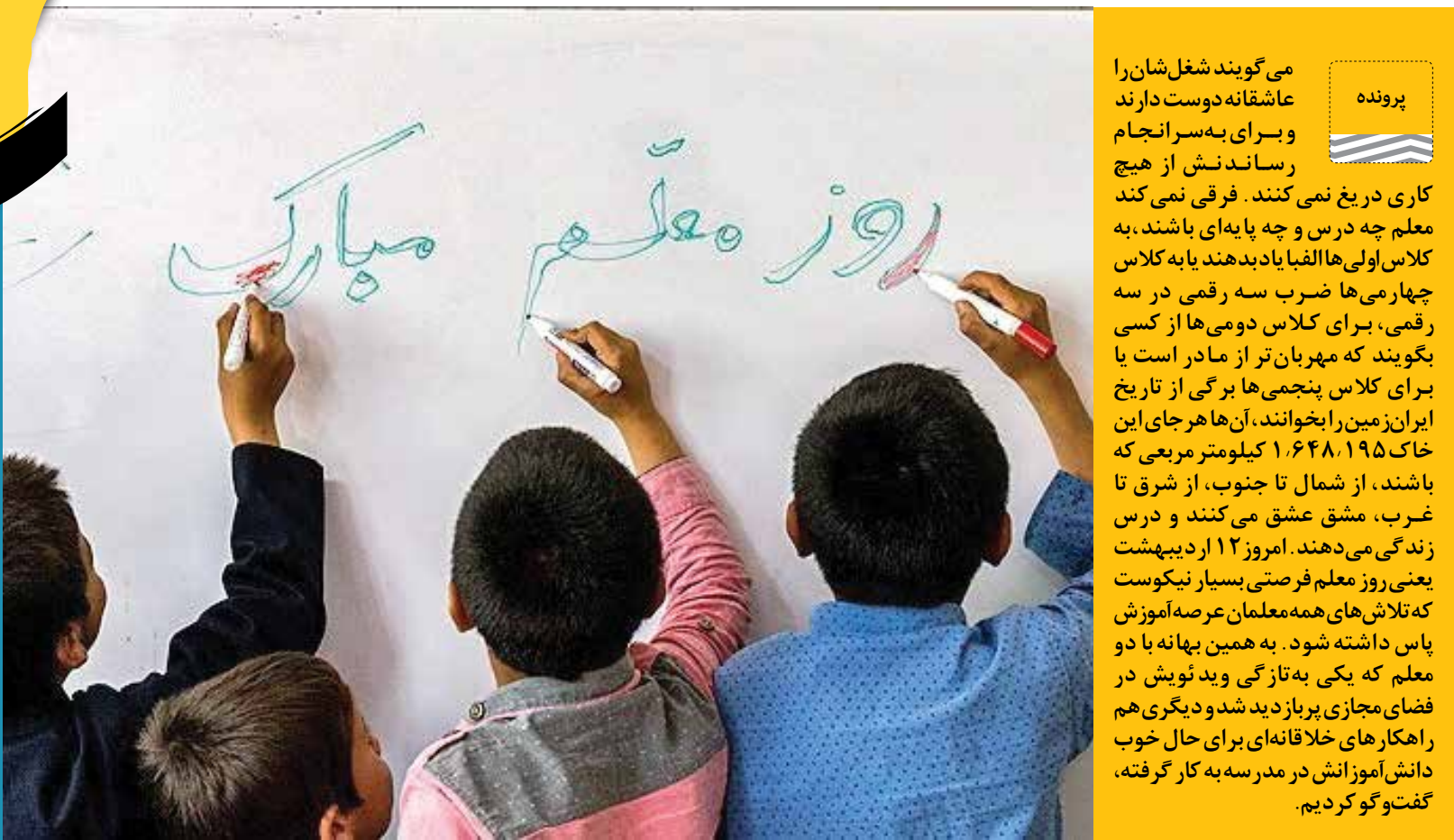


# معلم‌هایی از جنس عشق

در روز معلم با «فاطمه... دادی» که روش‌های ویژه‌ای برای افزایش خلاقیت و نشاط دانش‌آموزانش به کار گرفته و «سیده‌فیروزه موسوی» که ویدئوی بر خور د محبت آمیز با شاگرد نوجوانش در فضای مجازی پر باز دید شد، گفت‌وگو کردیم



پرونده

می‌گویند شغل‌شان را عاشقانه دوست دارند و برای به‌سرانجام رساندنش از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند. فرفری نمی‌کند معلم چه درس و چه پایه‌ای باشند، به کلاس‌اولی‌هاالقبایادبدهند پایه کلاس چهارمی‌ها ضرب سه رقمی در سه رقمی، برای کلاس دومی‌ها از کسی بگویند که مهربان‌تر از مادر است یا برای کلاس پنجمی‌ها برگی از تاریخ ایران‌زمین را بخوانند، آن‌ها هر جای این خاک ۱۹۵،۶۴۸ کیلومتر مربعی که باشند، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، مشق عشق می‌کنند و درس زندگی می‌دهند. امروز ۱۲ اردیبهشت یعنی روز معلم فرصتی بسیار نیکوست که تلاش‌های همه معلمان عرصه آموزش پاس داشته شود. به همین بهانه با دو معلم که یکی به تازگی ویدئویش در فضای مجازی پر باز دید شد و دیگری هم راهکارهای خلاقانه‌ای برای حال خوب دانش‌آموزانش در مدرسه به کار گرفته، گفت‌وگو کردیم.

## عاشق بچه‌ها و دنیای آن‌ها هستیم

گفت‌وگو با معلمی که یادگیری دانش‌آموزانش با نشاط و شادابی برایش از همه چیز مهم‌تر است



حامد رحیم پور | روزنامه نگار

«فاطمه... دادی»، دانش‌آموخته حوزه علمیه مکتب نرس و از شاگردان مرحومه فقید استاد خانم «طاهایی» و دارای مدرک دکتري رشته الهیات و ارشد روان‌شناسی است. او انگیزه معلم‌شدن خود را به ما این گونه توصیف می‌کند: «دوست دارم همواره با نسل جدید در ارتباط باشم و این که تاثیر مثبتی در زندگی آن‌ها داشته باشم. معلمی شغل مقدس و ارزشمندی است که به من این فرصت را می‌دهد که دانش و تجربیاتم را با دیگران به اشتراک بگذارم و به‌رشد و توسعه فردی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک کنم. من عاشق بچه‌ها و دنیای آن‌ها هستم و معلمی فرصت بسیار خوبی برای ورود به این دنیاست.»

### آزادی ۱۳ زندانی با طرح «مهرانه»

او به مادر باره تجربه‌هایی که در باره روش‌های ایجاد خلاقیت در کلاس داشته است، چنین می‌گوید: «برای خلاقیت تعاریف زیادی وجود دارد. گاهی گمان می‌شود که خلق یک چیز جدید خلاقیت است حال آن‌که این طور نیست و یکی از مصادیق خلاقیت نوعی توانایی در تولید ایده‌های نواز طریق تغییر و ترکیب ایده‌ها و خروجی ایده جدید است که البته در تربیت دانش‌آموزان دبستان بسیار مهم و عنصری کلیدی در آموزش کودکان است و هویت ملی و توانمندی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان را توسعه می‌دهد. من می‌توانم در این مسیر به طرح‌های زیادی که در مدرسه اجرا کرده‌ام، اشاره کنم: طرح مناسک حج، طرح جشن پاییز در مدرسه، طرح جشن خانواده، جشن چادر (که مخصوص دانش‌آموزان دختر کلاس دوم دبستان است)، طرح امانتداری (با شیوه‌های نودر هر سال به اقتضای شرایط بچه‌ها)، طرح تکریم مقام پدر و مادر که بگذارد این آخری را کمی توضیح دهم. درباره بحث پدر، تحت عنوان «مهرانه» برنامه‌ای به‌عنوان شکرانه سلامتی پدر طراحی کرده‌ام. کبوتر سفیدی را در بین بچه‌ها در حیاط مدرسه می‌آوردیم و به‌عنوان «فک رقیه» این کبوتر سفید را در روز سیزدهم رجب‌روز ولادت امیرالمومنین (ع) به شکرانه سلامتی پدر دانش‌آموزان آزاد کرده و برای دختران توضیح می‌دادم که بعضی پدران به دلیل خاصی نتوانسته‌اند کنار خانواده‌شان باشند، مثلاً به‌خاطر اشتباه در امضا کردن یک چک الان در زندان هستند؛ حالاً آیا می‌خواهید مثل این کبوتر این پدران هم آزاد شوند و کنار بچه‌ها و خانواده‌شان باشند؟ دانش‌آموزان با شور و شفع قریاد می‌زدند که بله، حاضر هستیم. در گام بعدی به دانش‌آموزان دفترچه‌هایی داده می‌شد با نام دفترچه مهرانه به شکرانه سلامتی پدرم و عکس آن کبوتر هم روی دفترچه قرار داده شده بود. این در واقع دسته‌چک دانش‌آموزان بود و دختران می‌رفتند در خانه و هر چقدر می‌توانستند این دسته چک را که دارای ته‌برگ بود در جمع خانواده‌شان صادر می‌کردند و پول را به مدرسه بر می‌گرداندند. این دفترچه‌ها بر می‌گشت و نزد خود دانش‌آموزان پول‌ها شمرده می‌شد. با این پول‌ها، ۱۳ زندانی در همان ایام با هماهنگی ستاد زندانیان آزاد شدند. صداهای آن‌ها را از ستاد زندانیان به‌صورت ناشناس در بین دانش‌آموزان پخش کردیم و اظهار شادی و خوشحالی دانش‌آموزان از یک کار خیر برای دختران به یادگار ماند و از آن روز به بعد در نوع رابطه و نگاه دختران دانش‌آموز با پدران‌شان حس و حال جدید حاکم شده بود. در باره مهرانه مادر هم کار جدیدی به اسم زیست فاطمی طراحی شد. این طرح را به مناسبت هفته ولادت حضرت زهرا (س) با عنوان مائده بهشتی طراحی کردیم. در آن ایام بچه‌ها تمام آن چه را که متعلق بود به خودشان از بدلیجات و گردن‌بند گرفته تا چیزهای دیگر به مدرسه آورده بودند. در روز حجاب فاطمی که بنا بود دختران اگر تمایل دارند با



## تا حنجره‌ام کار کند می‌خواهم معلم باشم

گفت‌وگو با یک معلم که در آستانه باز نشستگی است و ویدئوی بر خور د محبت آمیز او با شاگرد نوجوانش در فضای مجازی مور د توجه قرار گرفت

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

«خانوم می‌شه یه دقیقه بیام من؟» «بیا مادر! بیا قریون چشمات برم من» دانش‌آموز نوجوان طری‌را که از معلم سر کلاس زبان انگلیسی کنشیده است به‌اونشان می‌دهد و حدس بز نید و اکتش معلم چیست؟ «وای خدای من چقدر قشنگه مادر» بعد هم او را در بغل می‌گیرد و می‌پوسد و کل کلاس می‌زند ز بر خنده که «منم بوس! منم بغل!» اسم این خانم معلم سیده‌فیروزه موسوی است. ۵۹ سال دارد و دبیر زبان انگلیسی است. بعد از وایرال شدن این ویدئو خیلی از دانش‌آموزان قدیمی خانم معلم هم پیدا شده‌اند و از اخلاق و دانش‌آموزی او پای همان پست نوشته‌اند. او ۳۸ سال است که زبان انگلیسی تدریس می‌کند و امسال هم به‌صورت رسمی سال‌سی‌ام خدمتش در آموزش و پرورش است. چهره مهربانی دارد و اصال‌ت‌ناهل زنجان است. می‌گوید بدو استخدا م در مشهد و شیروان معلم بوده است و بعد به‌خاطر خانواده به تهران منتقل شده. ادامه‌قصه این معلم خوش صحبت و خوش انرژری را می‌توانید در پرونده امروز بخوانید.

### من یک آدم و معلم معمولی هستم

سال ۱۷۴ از مشهد به تهران می‌آید و در شهریار یکی از شهرستان‌های غرب تهران مشغول تدریس می‌شود. می‌گوید: «در هر شغلی با عشق کار کنید سختی‌های آن را می‌پذیرید. من خودم تا قبل از سال ۹۵ برای تدریس همیشه از تهران می‌آمدم شهریار، یعنی حدود ۲۱ سال. اگر به کارم عشق نداشتم هیچ وقت نمی‌توانستم این سختی را تحمل کنم. ۲۰ دقیقه به ۶ صبح -فرض کنید زمستان هم باشد- از خانه می‌زدم بیرون و ساعت ۳ بعد از ظهر به خانه می‌رسیدم. من عاشق تدریس و بچه‌های مردم را هم مثل دو فرزند خودم دوست دارم. البته راستش را بخواهید الان هزاران بچه (دانش‌آموزانم) دارم. هیچ وقت دوست نداشتم از من تقدیر شود یا فیلمی بگیرند. سال گذشته یعنی ۱۴۰۲ دانش‌آموزم در هنرستانی که تدریس می‌کنم مخفیانه از من واکتشم فیلمی گرفت. بعد هم یک دفعه وایرال شد. اول اعتراض کردم. گفتیم محیط خصوصی است اما بخ دانش‌آموزانم را دوست دارم، دست‌من امانت هستند. الان هم می‌گویم من یک آدم معمولی و یک معلم معمولی هستم. از مصاحبه هم زیاد خوشم نمی‌آید، چون همکاری داریم که در شهرهای کوچک و دورافتاده دارند تلاش می‌کنند و کسی اسمی از آن‌ها نمی‌برد.»

**طراحی دانش‌آموزم در نگاه من نقاشی پیکاسو است** بیشتر دانش‌آموزان خانم موسوی دختران نوجوان هستند. از او می‌پرسم همیشه با بچه‌ها مانند ویدئو صحبت می‌کنید و صمیمی هستید که پاسخ می‌دهد: «بله. به‌خصوص این که نسلی هستند که محبت واقعی را کم دارند. بلوغ زمانی است که آدم سر در گم است. بماند که الان ارزش‌های انسانی و ضدانسانی به هم خورده و آن‌ها نمی‌دانند چی خوب است و چی بد! فضای مجازی هم چه موافق و چه معاند دارد کار خودش را می‌کند و ما هستیم که از بچه‌ها یمان غافل شدیم. من اخلاقم این است. با بچه‌ها زیاد شوخی می‌کنم. گاهی به آن‌ها آب نبات می‌دهم، گاهی تشویق‌شان می‌کنم و البته دروغ چرا اوقات تلخی هم دارم اما سعی می‌کنم در کارم کم نگذارم. آن طری‌حی را که آن دخترم کنشیده، گذاشته‌ام بین دفتر نمره مدرسه. هر وقت می‌روم آن مدرسه نگاهش می‌کنم. آن طرح در نگاه من نقاشی پیکاسو، داونچی و کار میکل آنژ است. زحمت کنشیده و فکرش را گذاشته. بالاخره موفقیت پله‌پله به دست می‌آید. نه به‌خاطر این که طرحم را کنشیده. اگر یک روز از من طرح یک لولو هم بکشند باز همین است.»

### بعضی معلم‌ها مجبورند اسنپ کار کنند

مسئولان ما باید به فکر باشند که مردم را از مشاغل شرافتمندانه‌فراری ندهند. در آموزش و پرورش که دقیقاً همین است. قدردانی روحی و روانی از معلم‌ها نمی‌شود.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳  
۲۲ شوال ۱۴۴۵ • اول می ۲۰۲۴  
شماره ۲۱۴۸۱

۲۷۰۰

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

### درمان‌های خانگی برای مسمومیت غذایی

#### موافقان و مخالفان آرمان بیانی چه می‌گویند؟

بعد از سکاس جنجالی در سریال «افعی تهران» که شخصیت اصلی بالحن و رفتاری تحقیرآمیز با ناظم دوران کودکی‌اش بر خور د کرد، بحث‌هایی پیرامون درست و غلط بودن این رفتار در فضای مجازی شکل گرفته است

### رفتارهای ممنوعه بعد از شک به شوهر

#### طنز | عجایب هدیه روز معلم

#### در دهه شصت و هفتاد



انگلیسی را دارد، چون یک شهر امیرنشین بوده است و این خیلی برایم جالب بود.»

### همیشه قربان صدقه بچه‌ها می‌رود

الهام خادمی همکار ۲۴ ساله خانم موسوی است و در همان مدرسه‌ای که معلم‌قصه‌مانگلیسی درس می‌دهد، دینی و عربی تدریس می‌کند. به سراغ او رفتیم و از او درباره خانم موسوی و روحیاتش در مدرسه پرسیدیم. او می‌گوید: «خانم موسوی معلم خواهر همسر هم بوده‌اند و او همیشه می‌گوید در آن دوره و زمانه که معلم‌ها خیلی سخت گیر و جدی بودند ایشان سعی می‌کردند بهترین ارتباط را با بچه‌ها بگیرند. به‌نظم خانم موسوی عاشق شغل‌شان هستند و بچه‌ها. همیشه در کیف‌شان یک پلاستیک آب نبات ساده و طرح‌دار دارند و بین همکاران و در مناسبت‌ها بین دانش‌آموزان پخش می‌کنند. این انگار برای ما یک روتین شده است. خیلی اهل قربان صدقه رفتن است. همان‌طور که در ویدئو هم معلوم است خیلی با بچه‌ها مهربان صحبت می‌کنند و قربان صدقه‌شان می‌روند. حتی بین همکاران هم همین‌طور هستند. مثلاً یک لباس قشنگ که می‌پوشم می‌گوید: «الهام قشنگم! چقدر این لباس بهت میاد دورت بگردم» بعضی وقت‌ها که در کلاس می‌مانم و وقتم را با دانش‌آموزان می‌گذرانم بقیه می‌گویند اوایل کارت هست و امکان دارد دسر دوشوی ولی همیشه می‌گویم خانم موسوی بعد از این همه سال سرد نشد، چطور ممکن است من تغییر کنم؟ اصلاً یک امید هستند برای همه و حتی معلم‌ها. وقتی می‌آیند همه از ایشان انرژی می‌گیریم.»

